

On “*Professional Ethics in Library and Information Science*”: A Critical Review

Mahdi Shaghghi*

Abstract

This article aims to contribute in a critical review of the textbook “*Professional Ethics in Library and Information Science*”. This book was authored in 2011 by Gharamaleki, Derakhshani, and Rezaei Sharif-Abadi and published by SAMT (The Organization on Researching and Composing University Text Books in Humanities) publications. Using the conceptual analysis method, I tried to go over from extensions to conceptions and took a theoretical perspective on professional ethics. At first, I offered an analytical bibliography about references close to this work and drew its position among them, and undertook a critique about its form, format, and formal condition. Then, the main parts of the critique include an unclear shift from consequentialism language and term toward right-based term, imbalance conceptualizations, lack of concern to rights of all players of library domain, the need to take more attention toward marginal groups, the need to take policymaking approach about ethical problems, the problem of the chaotic state of the definition of librarianship in some sections, the need to study more ethical models and references.

Keywords: Professional Ethics, Library Ethics, Information Ethics, Right-Based Ethics, Consequentialism

* Assistant Professor, Department of Knowledge & Information Science, SBU University,
m_shaghghi@sbu.ac.ir

Date received: 2020-06-13, Date of acceptance: 2020-11-07

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقدی بر کتاب

اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی

مهدی شقاقی*

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، نقد تحلیلی کتاب «اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی» تألیف قراملکی، درخشانی و رضائی شریف‌آبادی (۱۳۹۰) از انتشارات سمت است. تلاش شده تا با نگاهی نظری به کتاب، فراتر از افق آن حرکت شود و از نقد مصادیق به نقد مفاهیم گذر گردد. برای رسیدن به هدف از روش تحلیل مفهومی استفاده شده است. در ابتدا تلاش شده تا با ارائه یک کتابشناسی تحلیلی از آثار حول و حوش این اثر، جایگاه این کتاب مشخص شود. سپس نقدی شکلی از مقدماتی‌ترین موارد تا امور انتزاعی‌تر کتاب ارائه شده است. بعد، در پنج محور اصلی به نقد محتوایی کتاب پرداخته شده و در نهایت رهنمودهایی عملی برای تقویت کتاب ارائه گردیده است. محورهای اصلی نقد شکلی را صفحه‌آرایی، نمایه و طراحی جلد کتاب تشکیل می‌دهند و محورهای اصلی نقد محتوایی، شامل تغییر زبان نگارش از زبان نتیجه‌محور به زبان حق‌محور، مفهوم‌پردازی ناهم‌سنگ، لزوم توجه به حقوق همه صاحبان حق، لزوم توجه به گروه‌های خاص، لزوم اتخاذ رویکردی سیاستی در ارائه پیشنهادها، اخلاقی، نیاز به تمرکز به تنگناهای اخلاقی، مشکل تغییر رویکرد در تعریف پایه کتابداری و «چیز» مورد بررسی در این رشته، نیاز به مطالعه مدل‌های اخلاقی بیشتر و تقویت منابع و مستندسازی دقیق‌تر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اخلاق حرفه‌ای، اخلاق کتابداری، اخلاق اطلاعات، اخلاق حق‌محور، اخلاق نتیجه‌محور.

* استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، m_shaghghi@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷

۱. مقدمه

مباحث و مسائل اخلاقی، در محیط کار کارگزاران و متخصصان حوزه اطلاعات در عصری که فناوری اطلاعات سیطره خود را به‌طور فزاینده بر حیات مادی و معنوی انسان امروز گسترش می‌دهد، هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد. ملی که با اعمال تفسیری مفاد دینی در قوانین و رویه‌ها، سعی در وارد ساختن دین در عرصه عمومی دارند و خواستار تبعیت از سیاست و قانون مبتنی بر احکام الهی هستند و عمده تصمیمات خود را با توجهات دینی اتخاذ می‌کنند، به این حوزه از اخلاق یعنی اخلاق کار در محیط اطلاعاتی نیز از این منظر می‌نگرند و به سیاست‌ها و اهداف مادی، صبغه دینی می‌دهند. اما ورود کشورهای غربی به حوزه اخلاق در محیط‌های اطلاعاتی مثل اخلاق کتابداری، اخلاق اطلاعات، اخلاق کامپیوتر، و اخلاق فناوری اطلاعات، به دلیل اهمیت «اصل توسعه» است (میرباقری، ۱۳۹۲) و این نکته را می‌توان در قوانین و معاهدات بین‌المللی همچون کنوانسیون برن و پاریس به وضوح دید. ملل توسعه‌یافته که امروزه بیش از پیش به جذب نیروهای نخبه و ایجاد محیط امن برای فعالیت علمی نخبگان و متخصصان برای گسترش مرزهای توسعه و مسخر نمودن طبیعت برای رفاه انسان می‌اندیشد، مهمترین وسیله ایجاد محیطی امن و سالم برای توسعه مادی را توسعه اخلاق در محیط‌های اطلاعاتی می‌دانند تا بتوانند زمینه را برای تفکر پیش‌رونده، بی‌دغدغه، و امن برای فعالیت نخبگان فراهم سازند. بنابراین، ورود سیاستگذاران کشورهای توسعه‌یافته به بحث اخلاق در محیط‌های اطلاعاتی، مادی است (میرباقری، ۱۳۹۲)؛ هرچند مردم آن کشورها مثل سایر ملل، اخلاق را در قالب قواعدی درون‌زاد و به‌صورت موقعیت‌مند تجربه می‌کنند. اما کشور ما که در آن صبغه دینی دادن به راهبردها و سیاست‌های کلان مادی توسط سیاستگذاران هنوز پررنگ است و از سوی دیگر قدم در راه مدرن‌شدن گذاشته است، دارای هر دو دغدغه فوق است: از سویی نیاز به توسعه اخلاقی برای محیط‌های اطلاعاتی دارد که تزاممی با دین نداشته باشد و از سوی دیگر زمینه را برای توسعه مادی فرد و جامعه فراهم سازد. مرام‌نامه‌ها و فتوت‌نامه‌های اخلاقی در سنت ایرانی-اسلامی ما، نمودی از اولویت دغدغه‌های دینی بر دغدغه‌های مادی است؛ هر چند که هر دو جنبه مدنظر بوده است. لذا رهنمود کلی اول این است که اگر قرار است تا سنت ایرانی-اسلامی خویش را تداوم بخشیم، لازم است آثاری که در حوزه‌هایی چون اخلاق کتابداران و اطلاع‌رسانان، فناوران اطلاعات، مهندسان، گرافیست‌ها و طراحان نرم‌افزار، و ... تدوین می‌شود، هر دو جنبه را مدنظر داشته باشند.

بحث با اهمیت دیگر در مورد متون اخلاق حرفه‌ای، مفهوم فلسفی «دیگری» (the other) است. نقطه عزیمت بسیاری از متون و نگارش‌های اخلاقی نویسندگان معاصر به اخلاق، عزیمت از «خود اخلاقی» به «دیگری اخلاقی» است. انسان مدرن، خود را به عنوان محور اخلاقی تصور می‌کند و آن را در ابتدا متوجه خود و سپس قابل تعمیم به دیگران می‌داند. حتی بهترین قواعد اخلاقی ما، یعنی امر مطلق یا امر تنجیزی (categorical imperative) کانت، بر خودمحوری مدرن از اخلاق مبتنا دارند. دریدا (Jacques Derrida) (۱۳۹۳) بحث می‌کند که قاعده طلایی اخلاق یعنی «طوری رفتار کن که دوست داشته باشی رفتار به صورت یک قاعده جهانی درآید» مبتنی بر خودمحوری اخلاقی نهادینه در روح انسان مدرن است زیرا نقطه عزیمت اخلاق را ابتدائاً در خود فرد جستجو می‌کند. دریدا برای ساختار شکنی این جمله می‌گوید «یک سادیسیت، مازوخیستی است که از قاعده طلایی اخلاق تبعیت می‌کند». فرض کنیم که «جهان ما آکنده از «سادومازوخیست‌ها» یا انواع آسیب‌رسانانی باشد که از همان نوع آسیب به خود نیز لذت می‌برند باشد، آیا آنگاه می‌توانیم قاعده طلایی اخلاق را که عزیمتش به اخلاق، خود فرد است، محور قرار دهیم؟ جواب منطقیاً «خیر» است. بنابراین، رهنمود کلی دیگر در تدوین متون اخلاق حرفه‌ای، اجتناب از تنفیذ روح خودمحور مدرن بر نگرش اخلاقی و به رسمیت‌شناسی و اولویت‌دهی «دیگری» در بینش، نگرش، موقعیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است.

۲. روش پژوهش

از به‌کار بردن اصطلاح «روش‌شناسی» پرهیز می‌شود چون در اینجا به معرفی روش می‌پردازیم و بحثی در باب شناخت آن که مستلزم بررسی پیش‌فرض‌های روش و مطالعه تناسب آن با مسئله حاضر است را در پیش رو نداریم. در مقاله حاضر، از روش «تحلیل مفهومی» (conceptual analysis) استفاده کرده‌ایم. این روش، بیشتر مورد استفاده رشته‌های فلسفه و الهیات، متافیزیک، اخلاق و حوزه‌هایی اینچنین است. افلاطون مؤسس اولیه این روش است. وی برای ارائه تعریف درباره «دانش» یا «شناخت»، از این روش بهره برد و ابتدا شناخت را به اجزای سازنده‌اش شکست و سپس سعی کرد همه مصادیق شناخت را ذیل آن جای دهد. ممکن است در جای‌دهی مصادیق، ناگزیر به افزودن مقوله‌ای جدید باشیم و این طی کار خود را نشان می‌دهد. اگر مقولات یک مفهوم را استخراج کنیم و همه مصادیق آن مفهوم را ذیل مقولات آن بچینیم طوری که مصداق دیگری در نظر نیاید، تحلیل

مفهومی کرده‌ایم و ابعاد یک مفهوم را ساخته‌ایم. افلاطون اول بار چنین کاری کرد و «دانش» یا «شناخت» را به «باور صادق موجه» (Justified true belief) تعریف نمود (فالیس، ۲۰۰۹) (Don Fallis). در این مقاله نیز ما به کاری شبیه به آن دست زده‌ایم و فرازهای نقد بر کتاب اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی را مقوله‌بندی نموده‌ایم و مصادیق آن را ذکر کرده‌ایم به‌طوری‌که مصداقی از قلم نیفتند و هر دسته از مصادیق، ذیل مقوله‌ای باشد.

۳. معرفی کلی اثر و نگاهی به جایگاه آن در میان سایر متون

کتاب «اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی» از مجموعه آثار «سمت» است که در گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی آن سازمان به سال ۱۳۹۰ انتشار یافته است. موضوع کتاب حاضر، به بیان مؤلفان کتاب، بحث درباره اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی است و اهمیت آن بدان دلیل است که کتابداری و اطلاع‌رسانی به عنوان یک «شغل، خدمتی مفید است که جبران خدمت (مثل مزد) را در پی دارد و اگر بر عناصری چون دانش تخصصی، تجارب، مهارت‌ها، توانایی‌ها، ژرف‌نگری سیستمی، و مرام اخلاقی استوار شود، حرفه ارتقاء می‌یابد» (ص ۱). مؤلفان در فصل ۵ تأکید کرده‌اند که رویکرد کتاب حاضر در بحث درباره اخلاق حرفه‌ای، اخلاق مبتنی بر حقوق است و «مراد از حقوق در اینجا حقوق طبیعی است که غالباً غیرمدون و نانوشته‌اند» (ص ۷۸). بنابراین، اخلاق حرفه‌ای، اخلاقی است که به حقوق تمامی صاحبان حق توجه دارد. صاحبان حق در درس نهم در دو دسته صاحبان حقوق در محیط درونی کتابخانه و صاحبان حقوق در محیط بیرونی کتابخانه تقسیم شده‌اند (ص ۱۱) که دسته اول شامل کتابداران، مالکان، مدیران، واحدهای تابعه، و سایر کارکنان است و دسته دوم شامل کاربران، تأمین‌کنندگان، رسانه‌های گروهی، سازمان‌های مردم‌نهاد، رقبا، و شهروندان می‌گردد. در کتاب حاضر در فصل هشتم تأکید شده که رهیافت اخلاق حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی باید دارای رهیافت سازمانی باشد نه فردگرایانه (ص ۱۳۷) و «توجه به نقش راهبردی اخلاق در سازمان و نیز توجه به مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی سازمان سبب شد تا فراتر از افراد و منابع انسانی بر اخلاقی بودن کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی تأکید شود» (همانجا). لذا «آیین‌نامه‌ها و تصمیم‌ها مورد ممیزی اخلاقی قرار می‌گیرند» (همانجا) و بنابراین اخلاق حرفه‌ای در سطح تصمیمات، سیاست‌ها، و آیین‌نامه‌ها در این کتاب مورد تأکید است نه رفتار اخلاقی فردی. بدین روی، در فصول نهم تا دوازدهم، مسئولیت اخلاق کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در

قبال جامعه، کاربران، کتابداران، پدیدآورندگان اثر، و حرفه کتابداری مورد بحث قرار گرفته است.

کتاب دارای فصل‌بندی منظم است. از مسائل کلی اخلاق (درس ۱ و ۲) شروع شده، به نظریه‌های اخلاقی در نظر فیلسوفان اسلامی و غربی پرداخته (درس ۳ و ۴)، به تعریف حرفه و کتابداری و اطلاع‌رسانی به مثابه حرفه پرداخته (درس ۵ و ۶)، بُعد سازمانی کتابخانه بحث شده (درس ۷)، ضرورت بحث درباره اخلاق حرفه‌ای کتابداری بررسی شده (درس ۸)، به مسئولیت‌های اخلاقی سازمان کتابخانه در قبال صاحبان حق پرداخته (درس ۹ تا ۱۲)، بحث مدیریت اخلاق در سازمان مطرح شده (درس ۱۳)، نمونه‌هایی از عهدنامه‌های اخلاق حرفه‌ای در کشورهای مختلف آورده شده (درس ۱۴)، و در نهایت بحثی درباره اصول اخلاقی در اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات شده است (درس ۱۵). چیش فصول از کلی به جزئی انسجام خوبی به کلیت فصول بخشیده است. کتاب از نظر چاپ و صحافی در سطح خوبی است و اغلاط املائی و نگارشی در آن دیده نمی‌شود. صفحه‌آرایی و طراحی جلد مناسب از ویژگی‌های خوب دیگر کتاب است. کتاب در مجموع اطلاعات خوب و مفیدی درباره ضرورت و اهمیت اخلاق حرفه‌ای در کتابداری به حرفه‌مندان این رشته می‌دهد و مسائل خوب چندی در این خصوص پیش می‌کشد. رویکرد مبتنی بر حقوق در اقامه اخلاق حرفه‌ای نیز تلاش متفاوتی در کتاب حاضر است که آن را متفاوت و قابل توجه ساخته است. از نکات بارز و در خور تقدیر کتاب حاضر، نثر روان و رسای کتاب، استفاده از شعر و کلمات قصار در لابلای سطور، طرح پرسش در دو سه جای کتاب از زبان خوانندگان، طرح مثال و نمونه در دو یا سه کادر در کتاب، و بیان اهداف، مسئله، نتیجه‌گیری، و طرح پرسش در هر فصل است که آن را به صورت یک کتاب درسی با خوانایی خوب درآورده است. طرح تعدادی از نظریه‌های اخلاقی اندیشمندان اسلامی و غربی به صورت مختصر و ساده‌فهم نیز از نکات برجسته کتاب است. مؤلفان اثر، به ترتیب احد فرامرز قراملکی، استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران، خانم لعبت درخشانی کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه الزهراء و سعید رضائی شریف‌آبادی استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه الزهراء هستند. در نشستی با عنوان «نقد و بررسی کتاب اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی» که روز ۶ خرداد ۱۳۹۲ در باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران با حضور مؤلفان کتاب برگزار شد (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شنبه ۴ خرداد ۱۳۹۲) و نویسنده نقد حاضر نیز

در آن حضور داشت، رضائی شریف‌آبادی (۱۳۹۲) اظهار کرد که پایه کتاب حاضر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم درخشانی است که البته طی یک کار مستقل و با بهره‌گیری مستقیم و مؤثر از نویسنده نخست کتاب پس از دفاع از پایان‌نامه توسعه یافت و به شکل کتاب درسی منتشر گردید. از درخشانی و رضائی شریف‌آبادی (۱۳۹۳) کتاب «از اخلاق حرفه‌ای دانش‌کاران را تا اخلاق اطلاعاتی» نیز سه سال پس از نشر کتاب مورد نقد توسط نشر کتابدار منتشر شده است که متشکل از ترجمه ۵ مقاله است.

درس اخلاق حرفه‌ای تا سال ۱۳۸۸ جزو برنامه درسی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی نبوده است (دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۶). در بازنگری برنامه درسی سال ۱۳۷۵ این رشته در سال ۱۳۸۸ که طی آن تغییرات زیادی در برنامه درسی این رشته اعمال شد، درس «اخلاق حرفه‌ای» به عنوان درسی دو واحدی جزو دروس پایه گنجانده شد. دقیقاً از آن تاریخ به بعد است که شاهد انتشار کتاب‌هایی هستیم که با عنوان اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی به زبان فارسی منتشر می‌شوند؛ البته به جز یک کتاب با عنوان «اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان» به گردآوری و ترجمه جمعی از مترجمان و ویراستاری علیرضا اسفندیاری مقدم. «پر کردن خلاء اثری که یکجا به حوزه اخلاق کتابداران و اطلاع‌رسانان پرداخته باشد» به عنوان هدف اول و بالطبع اصلی این کتاب در مقدمه اثر ذکر شده است (انجمن کتابداری قم، ۱۳۸۶) و این نشان می‌دهد تا قبل از این کتاب، اثر منسجمی در این خصوص منتشر نشده بوده است. قبلاً مباحث اخلاق حرفه‌ای در قالب بخشی از درس «مبانی کتابداری و اطلاع‌رسانی» در دوره کارشناسی ارشد یا دروس «کتابخانه و کتابداری» و «خدمات عمومی» در دوره کارشناسی آموخته می‌شد و لذا می‌بینیم که متأسفانه تا همین اواخر بحث اخلاق حرفه‌ای یکی از مباحث حاشیه‌ای و به‌عنوان یکی از فصول کتب مبانی کتابداری و اطلاع‌رسانی یا علم اطلاعات و دانش‌شناسی بوده و بعضاً همچنان هست.

کتاب دیگر این حوزه، کتاب «چالش‌های اخلاقی در عصر اطلاعات» ترجمه علیرضا ثقه‌الاسلامی به سال ۱۳۸۸ است که شامل یک مقاله تألیفی و نه مقاله ترجمه‌ای است و همزمان با تصویب برنامه درسی جدید رشته منتشر شده است. کتاب دیگر، به سال ۱۳۸۹ و با عنوان «اخلاق حرفه‌ای در کتابداری» تألیف عصمت صدری‌فرد و شعبان طاهری توسط انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی منتشر شد که از ظاهر آن پیدا بود که مستخرج از بخش مبانی نظری یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. ۱۲۹ صفحه اول این کتاب به معرفی

کتابداری، اخلاق، و اهمیت اخلاق حرفه‌ای اختصاص داشت و ۳۰ صفحه به اخلاق حرفه‌ای در کتابداری ورود کرده بود. در نهایت هم چند نظام‌نامه و اصول اخلاق حرفه‌ای از کشورهای مختلف ترجمه و اضافه گردیده بود.

در این فضای نبود یک کتاب تألیفی در حوزه «اخلاق حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی» بود که کتاب مورد نقد حاضر، پا به عرصه وجود گذاشت و در سال ۱۳۹۰ توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) به چاپ رسید. پس از آن کتاب‌های دیگری منتشر شدند که اولی، کتاب «اخلاق انتشارات علمی» به قلم عباس حری به سال ۱۳۹۰ بود که توسط پایگاه استنادی علوم جهان اسلام واقع در شهر شیراز منتشر شد و اولین اثر اخلاقی بود که به یکی از مسائل تخصصی رشته می‌پرداخت. کتاب بعدی، کتابی به قلم دو تن از مولفان کتاب مورد نقد حاضر بود که به سال ۱۳۹۳ منتشر گردید و قبلاً معرفی شد. در همان سال، کتاب دیگری با عنوان «شرح ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای کتابداران در آئینه اسلام» تألیف حمیدرضا مرادزاده، علی پوراحمد و سارا اسدی منتشر گردید که همانند سایر کتاب‌های کم حجم و سه نویسنده‌ای، و با عنایت به ساختار و سبک نگارش، مستخرج از پایان‌نامه به نظر می‌رسد. در سال ۱۳۹۴ کتاب «درآمدی بر اخلاق اطلاعات» ترجمه علیرضا ثقه‌الاسلامی را داریم که به سبک کتاب قبلی همین مؤلف، شامل یک مقاله تألیفی و چهار مقاله ترجمه‌ای است و با عنوان «ترجمه و تألیف» منتشر شده است. نهایتاً در سال ۱۳۹۵ شاهد دومین کتاب اخلاقی با یک موضوع تخصصی در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی هستیم با عنوان «اخلاق در کتابخانه‌های دیجیتال» تألیف کوکی جی. اندرسون (Cokie G. Anderson) و ترجمه میترا صمیعی و حمیده معماری هنجنی که توسط نشر کتابدار چاپ شده است. بنابراین، کتاب حاضر همچنان تنها اثر تألیفی کل‌نگر در این حوزه است که عملاً به عنوان منبع درسی اصلی این درس شمرده می‌شود.

۴. نقد شکلی

صورت ظاهر یک اثر به عنوان اولین عنصر ارتباطی خواننده-متن، و شاکله و استقرار آن، تأثیر اولیه شکل‌دهنده‌ای روی خواننده می‌گذارد. تحقیقات زیادی در خصوص اثر شاکله متن بر تصور خواننده بر محتوا انجام شده و کتب زیادی در این خصوص نوشته شده است که برخی از آنها بنیادی‌اند و بیان می‌کنند وجوه خطایی و ساختار متن، برسازنده تصور

خواننده از علمی بودن و غیرعلمی بودن، وثاقت و عدم وثاقت، و وزین بودن یا نبودن است و روی انتخاب اثر برای خواندن اثر مستقیمی دارد (برای مثال بنگرید به مان و تامپسون، ۱۹۸۸) (Mann & Tompson). بنابراین شکل کتاب به‌عنوان اولین رابط بصری خواننده-متن می‌تواند اولین عنصر نقد هر اثر نیز باشد. کتاب «اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی» بسیار سراسر طبق استاندارد انتشاراتی سازمان سمت منتشر شده است؛ با همان فونت و قطع رسمی که دانشگاهیان با آن آشنایی دارند: کاغذ سفید ۷۰ گرمی اندونزی، مقوای جلد ۲۵۰ گرمی با سلفون شفاف، چسب گرم در عطف و صحافی نسبتاً محکم و البته بدون خط تا و در قطع وزیری.

صفحه‌آرایی کتاب بسیار ساده و معمولی است اما با یک نکته منفی: پانویس‌های یک یا دو کلمه‌ای هر صفحه در مواردی که امکان‌پذیر است، به‌صورت افقی چیده نشده‌اند و به‌طور عمودی زیر هم آمده‌اند و این باعث می‌شود بخش زیادی از یک صفحه سفید و بلااستفاده باقی بماند و همترازی صفحات از بین برود. کتاب دارای صفحه عنوان انگلیسی در انتهای کتاب (پس از نمایه) نیست و لذا اگر کسی بخواهد به انگلیسی به کتاب حاضر استناد دهد، با دشواری مواجه خواهد شد.

در طراحی جلد اثر حاضر، از تصویرسازی استفاده شده است. تصویر روی جلد، کتابخانه معظمی را نشان می‌دهد که نشان از کتابخانه‌های مجلل و باشکوه سبک گوتیک با سرسراه‌های دراز و طاق بلند قرون وسطی و اوایل عصر روشنگری اروپا را دارد که زیبایی کلیسای مسیحی و غایت منظم و سازمان‌یافتگی را تصویر می‌کند. این تصویر به نوعی نگاه آرمان‌گرایانه به نظم، عظمت و شکوه یک کتابخانه مطلوب در نظر انتخاب‌کنندگان تصویر را می‌رساند. با این حال، این تصویر به سختی نشانگر اخلاق در کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌تواند باشد؛ مگر اینکه اسطوره نظم در کتابداری و اطلاع‌رسانی را بخواهیم با اخلاق هم‌آمیخته تلقی کنیم و به آن به‌عنوان نتیجه بسامانی اخلاقی هر کتابخانه بنگریم که در نشانه‌شناسی، به آن اثر جابجایی می‌گویند. در اثر جابجایی، طراح تلاش می‌کند تا اثر یک تصویر را به محتوای یک شیء یا مفهوم تسری دهد، مثل تصویر موهای دختری زیبا روی یک شوینده سر.

می‌توان تحلیل دیگری از طرح روی جلد کتاب با استفاده از رویکرد دیالکتیک فضائی آنری لوفر (Henri Lefebvre) (۱۳۹۵) ارائه کرد. لوفر (۱۳۹۵) با رهیافتی مارکسی به فضا می‌نگرد و می‌گوید فضاها، بازنمایاننده شیوه‌های تولید در هر عصر هستند. فضاها

بازنمایاننده مناسبات قدرت یا مقاومت در برابر قدرت‌اند. از این نکته می‌توان برای تحلیل عکس روی جلد این کتاب بهره برد. فضای کتابخانه به سبک گوتیک که بازنمایاننده برش غیرسرمایه‌دارانه و کارافزایانه از فضاست، با فضای کتابخانه مدرن که یکدست (بدون دیوار) و بدون تکلف است و کارآیی و کنترل افراد را آسان‌تر می‌کند، متفاوت است. فضای کتابخانه به سبک گوتیک، کتابخانه را به عنوان محلی برای تولید (دانش، اطلاعات، تکنولوژی، ایده) باز نمی‌نمایاند بلکه سبک کلیسایی، پرمفد، سلسله‌مراتبی و پر از زوایای غیرقابل کنترل آن بازنمایاننده فضایی برای تعالی روح و تشخیص‌یابی است. هر چند در تصویر جلد این کتاب، کارافزایی مدرن با تعالی روح پیشامدرن آمیخته است و فضایی را می‌بینیم که ساختمان پررمز و راز سلسله‌مراتبی و کلیساگونه‌اش، نوعی نیایش معنوی با کتاب را جلوه‌گر می‌کند اما صحن مدرن و کارافزایانه‌اش، نماد کارکردگرایی و تمرکز به تولید است. گرایش ناخودآگاه به انتخاب این تصویر، شاید بازنمایاننده وضع ناپایدار ایران امروز ما نیز باشد، وضعیتی گرفتار آمده بین سنت و مدرنیته، که طبق آن در هر اقدام، تصمیم و رفتار و حتی سبک آرایش و لباس پوشیدن و زندگی کردن، عناصر سنت را با عناصر مدرن می‌آمیزیم و آمیخته‌ای نمایان از گیرافتادن بین سنت و مدرنیته را نمایش می‌دهیم. اما آنچه به عنوان یک رویه انتشاراتی توسط ناشران حرفه‌ای خارجی و داخلی درآمده است، آن است که معمولاً در طرح جلد کتب نظری، تصویر به کار نمی‌برند و از حروف‌نگاری یا بازی ابهام‌آمیز با علائم استفاده می‌کنند؛ مگر اینکه تصویری باشد گویای صدهزار واژه درباره موضوع اثر. به هر حال، نمی‌توان بین تصویر روی جلد و محتوای اثر رابطه معنایی برقرار کرد و صرفاً می‌توان آن را زیبا دانست یا سعی کرد تا تفسیری از غایت مطلوب انتخاب‌گران تصویر بیان نمود.

اغلاط املائی متن و مسائل رسم‌الخطی و نگارشی واقعاً کم است و این، شایسته تقدیر است. مواردی انگشت‌شمار و جزئی هست که البته قابل اغماض است. هر فصل شامل اهداف فصل، بیان مسئله، نتیجه و تمرین است که این محاسن می‌توانست با یک کتابشناسی برای معرفی منابع بیشتر تکمیل گردد. روش استناددهی متن، پانویس ارجاعی است که روش سنتی ارجاع‌دهی کتب علوم انسانی است. این روش یک سهولت برای مؤلفان و یک مشکل برای خوانندگان به ارمغان می‌آورد و آن، خوانش نام مؤلفان لاتینی برای خواننده است که بالطبع، عیناً پانویس شده و فارسی‌نویسی نشده است. این امر برای خواننده حرفه‌ای مشکل‌آفرین نیست اما ممکن است برای دانشجوی دشنواری‌هایی ایجاد کند

و تلفظ‌های نادرست را به واژگان او وارد نماید. اما مشکل دیگر، به قول آذرنگ (۱۳۸۷) در کتاب «شمه‌ای از اطلاعات و ارتباطات» یک مشکل مزمن، شایع و درمان‌نشده در کتاب‌های فارسی است و آن عبارت است از مشکل نمایه‌های کتاب. آذرنگ (۱۳۸۷) با لحنی طنزآمیز در بیان این مشکل صراحتاً به آثار ناشر بزرگی چون انتشارات خوارزمی اشاره می‌کند اما اگر من بودم، انتشارات سمت را نیز از قلم نمی‌انداختم. نمایه‌های کتب این ناشر معتبر، مثل نمایه کتاب حاضر، واقعاً کاستی‌های عمده دارد. اگر بخواهم به مهمترین موارد اشاره کنم باید بگویم که انتظار می‌رود مفاهیمی که به دلیل اهمیتی که نویسنده بدان‌ها قائل بوده و آنها را پانویس انگلیسی کرده است، در نمایه گنجانده شود اما می‌بینیم که نمایه سه‌صفحه‌ای و مختصر این کتاب، فاقد بسیاری از اصطلاحاتی است که در متن، پانویس شده‌اند. اصطلاحات زیادی هستند که نمایه‌ای نیستند و در نمایه دیده می‌شوند مثل کلمه اصول/اخلاقی که اصطلاح عامی برای این کتاب است و شماره صفحه‌های زیادی جلوی آن نوشته شده است. یا اصطلاح بهره‌وری، احترام و ... نام کتاب‌هایی که در اثر نام برده شده‌اند در نمایه نیامده و بسیاری از اصطلاحات مهم نیز مثل اصطلاح «وظایف مشروط» در نظریه رلز در نمایه نیامده است. در نمایه اشخاص نیز متأسفانه منطق نام‌نویسی مشخص نیست. در برخی نام‌ها، نام خانوادگی اول آمده و در برخی دیگر نام کوچک. در برخی موارد فقط نام خانوادگی ذکر شده (مثل فیلد (ص ۲۶۳)) و در برخی موارد، دو نام اشتباهاً در یک سطر آمده (جالینوس جانتان گلور (ص ۲۶۳)). به نظر می‌رسد ناشران حرفه‌ای همچون سمت، باید نمایه‌سازی کتاب را بسیار جدی بگیرند و آن را به عنوان زینت یا اضافه‌ای که بتواند اثر را از نقد «نداشتن نمایه» محفوظ بدارد ننگرند.

۵. نقد محتوایی

در این بخش، به اُمّهات نقدهایی می‌پردازم که به لحاظ محتوایی می‌توان درباره کتاب حاضر مطرح کرد و امید می‌رود باعث ایجاد زمینه برای بهبود و تقویت این کتاب مفید گردد:

اولین نقد، متوجه رویکرد کتاب حاضر است که همانطور که در صفحه ۷۸ کتاب تأکید شده، مبتنی بر حقوق طبیعی صاحبان حق است. اولین نکته‌ای که در این خصوص می‌توان ذکر کرد، خلطی است که در اثنای جملات بین حقوق و منافع پیش آمده است. هر چند در درس ۵ بر تمایز میان حقوق و منافع تأکید شده و اظهار شده که «اگر حقوق افراد رعایت

شود، نفع آنان نیز حاصل می‌گردد اما برعکس نمی‌توان ادعا کرد» (ص ۷۹)، اما در جای‌جای سطور فصول ۹ تا ۱۲، از نقش رعایت اخلاق حرفه‌ای در ارتقاء حرفه، منافع سازمان، ارتقاء خدمات، منافع ملی، بهبود کارکردها، بهره‌وری خدمات، و ... سخن به میان آمده که نگاه به غایت اعمال را تقویت می‌کند و نوعی سودنگری مبتنی بر قاعده (rule utilitarianism) را به ذهن متبادر می‌سازد. در سودنگری مبتنی بر قاعده، «عمل آدمی درست است اگر بر وفق قاعده‌ای باشد [مثل حقوق] که تبعیت همگانی از آن به اندازه هر قاعده بدیل دیگری، برای جمیع مردمانی که از آن تأثیر می‌پذیرند، فزونی خیر را بر شر به بار آورد» (هولمز، ۱۳۸۹، ص ۲۸۳) (Holmes). هر چند در کتاب حاضر به طور ضمنی بیان شده که نقطه عزیمت اخلاق در آن، حقوق است نه منفعت اما در جای‌جای کتاب، غایت منفعت را به عنوان نتیجه قاعده رعایت حقوق مطرح ساخته است که آن را به اخلاق سودگرایی مبتنی بر قاعده نزدیک نموده است زیرا به تعبیر هولمز، واژگان حقوق، قابل بیان به زبان ارزش یا تکلیف است اما واژگان ارزش یا تکلیف، قابل بیان به زبان حقوق نیست (مثلاً نمی‌توان جمله ارزشی «او شخص خوبی است» را به زبان حقوق بیان کرد) (همو، ص ۵۴). نکته دیگر، این ادعای کتاب است که «مراد از حقوق در اینجا حقوق طبیعی است که غالباً غیرمدون و نانوشته‌اند» (ص ۷۸) که بحث حقوق را قابل مناقشه نموده است. اولاً بهتر است توضیح داده شود که منظور از «طبیعی» در حقوق طبیعی چیست و ثانیاً خاستگاه این حقوق کجاست که بتوان آنها را بدان مستند کرد. نکته دوم آنکه به این بحث پرداخته شود که چگونه می‌توان از حقوقی که به‌طور طبیعی (با تعریفی که از طبیعی می‌شود) موجود است به اینکه «باید» چنین حقوقی رعایت شود، رسید. طرح این معضله که به دیوید هیوم (David Hume) برمی‌گردد، این نکته را برجسته می‌سازد که در بحث حقوق باید اولویت‌های حقوق مشخص شود و بسیاری از این اولویت‌ها در تنگناهای اخلاقی (ethical dilemma) رخ می‌نماید. برای مثال، بازگرداندن امانت به امانت‌دهنده، از حقوق امانت‌دهنده است. اما آیا اگر امانت او یک تفنگ باشد و مطمئن باشیم که او با پس گرفتن امانت خویش، فردی را خواهد کشت، باید این امانت را ادا کرد؟ یکی از کارهایی که می‌تواند این کتاب را تقویت کند، طرح تنگناهای اخلاقی‌ای است که در آن، اولویت حقوق مشخص می‌شود و گرنه همانطور که در کتاب ذکر شده، مردم عرفاً و به‌طور شهودی به کلیات حقوق افراد مورد تعامل خویش آگاهند.

نقد دوم، مربوط به گستره صاحبان حقی است که در درس نهم (ص ۱۴۴) طی یک نمودار و با تقسیم‌بندی آن به صاحبان حق در محیط درونی و محیط بیرونی طرح شده است. در فصول ۹ تا ۱۲، صرفاً به حقوق بخشی از این صاحبان حق در قبال کتابخانه اشاره شده است و برای مثال به حقوق رسانه‌های گروهی، تأمین‌کنندگان، و مالکان در قبال کتابخانه پرداخته نشده است. این پرداخت نامتناسب بین مفاهیم مندرج در نمودار و شروح متعاقب آن در متن، در برخی فصول دیگر نیز دیده می‌شود که اصلاح آن به انسجام متن کمک خواهد کرد. برای مثال، در صفحه ۱۴۸ کتاب، مسئولیت‌های اجتماعی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی طی یک نمودار ذکر شده است، اما در توضیح مفاد نمودار، موردی مانند «آموزش سواد اطلاعاتی» وجود دارد که در نمودار جزو مسئولیت‌های اجتماعی کتابخانه‌ها نیامده است. نکته مهمتر، غفلت از حقوق صاحبان حقی با نام تخصصی «گروه‌های خاص» (special groups) در کتابخانه است که شامل کودکان، بزرگسالان نوسواد، افراد با ملیت غیر ایرانی، و افراد با آسیب‌ها و معلولیت‌های ذهنی و جسمی است که هر چند در مفهوم کلی، کاربر به حساب می‌آیند اما به دلیل شرایط خاص‌شان، دارای حقوقی متفاوت از افراد معمولی هستند و شایسته است به حقوق آنها در قبال کتابخانه در مباحث جداگانه‌ای پرداخته شود.

نقد سوم، مربوط به ضعف‌هایی است که در تعریف کتابداری به چشم می‌خورد و این نقطه آغازی برای برخی ضعف‌های دیگر گردیده است. در حالیکه سالیانی است که در متون و مقالات نظری حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی گفته شده که کتابداری با «اطلاعات» سروکار دارد و «کتاب» یکی از محمل‌ها از چندین و چند محمل اطلاعاتی و کتابخانه یکی از چندین و چند مرکز اطلاعاتی است، مؤلفان ابراز داشته‌اند که «کتابداری، کاری معطوف به کتاب است» (ص ۹۱). هر چند در ادامه تعریف مبسوط‌تری از دامنه تعلقات «کتاب» آمده است، ولی باز هم بسیاری از تعاریف و استلزامات دیگری که کلمه «اطلاعات» در خود دارد خود به خود نادیده گرفته شده است. برای مثال، بسیاری از اطلاعاتی که از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی، شبکه‌های اجتماعی، خبرگزاری‌ها، رسانه‌های گروهی، وبلاگ‌ها، و همه انواع اطلاعاتی که به واسطه ظهور فناوری اطلاعات به شکلی جدید مورد استفاده کاربران قرار می‌گیرد و کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به انحاء مختلف با آن درگیر هستند، از دامنه تعریف کنار گذاشته شده است. از مهمترین آموزش‌هایی که امروزه به کتابداران داده می‌شود، آموزش سواد اطلاعاتی و آموزش تفکر انتقادی است. این دو آموزش،

معطوف به این هدف است که منابع اطلاعاتی را که هر روز با انحاء و اشکال مختلف ظهور و بروز می‌کنند، بتوانند اعتباریابی کنند و وثاقت و درجه اعتمادپذیری آن را بسنجند. با تعریفی اینچنینی از کتابداری، دامنهٔ معضلاتی که کتابداران امروزه با آن درگیر هستند با ابعاد بهتری روشن می‌گردد. برای مثال، جنبه‌های اخلاقی دسترسی به اطلاعات^۱، حصول اطلاعات^۲، درستی اطلاعات، امنیت اطلاعات، استفاده از اطلاعات برای پروپاگاندا و ... (فلوریدی، ۲۰۰۶) (Luciano Floridi) اموری هستند که به واسطهٔ تعریف «اطلاعات» به عنوان ابژهٔ مورد بررسی و کار در رشتهٔ کتابداری رخ می‌نمایند. این ضعف در جاهای دیگر نیز خود را نشان داده است. برای مثال، در تعریفی که از اهداف کتابخانه به نقل از کرایست (John M. Christ) (تألیف شده به سال ۱۹۷۲ و ترجمه شده به سال ۱۳۶۵)، اهداف آموزشی و فرهنگی و اطلاع‌رسانی (ص ۹۲) آمده و به سایر نظریه‌ها و اهداف توسط نظریه‌پردازان موثق خارجی و داخلی دیگر از جمله جان باد (John Budd) (هدف ارتباطی کتابخانه) (باد، ۱۳۸۹)، هدف پر کردن اوقات فراغت (موکهرجی، ۱۳۸۸) (Ajit Kumar Mukherjee)، هدف بازیابی اطلاعات (فدائی، ۱۳۸۹) و ... اشاره‌ای مختصر نشده است. یا برای نمونه، ادعای غیرمستندی شده که «تنها الگوی اخلاق در کتابداری الگوی فرلیچ (Froehlich) است که قابل بحث و بررسی است» (ص ۲۱۵) و این در حالی است که الگوهای دیگری از جمله الگوی ماسون (Mason) (۱۹۸۶)، الگوی هامپتون (Haumpton) (۲۰۰۲)، و الگوی فلوریدی (۲۰۰۶) وجود دارد که ذکری از آنها به میان نیامده است.

یکی از دلایل این ضعف، تکیهٔ کتاب بر برخی منابع و متون قدیمی و بعضاً متزلزل در حوزهٔ کتابداری است. برای مثال، نظریه‌ها و تعاریف مطرح در سرتاسر درس ششم در پاره‌ای اوقات و بعضاً در نکات حساس بر منابع قدیمی (برای مثال: ص ۹۳-۹۸)، مقالات کنفرانس‌های دانشجویی (همانجا)، و منابع ناموثق (ص ۹۳ استناد به ویکی‌پدیا) استوار شده است در حالی که از آنجا که رشتهٔ کتابداری از رشته‌های جدید و سریعاً در حال رشد است، بهتر می‌بود از متون و منابع نظری موثق‌تر و جدیدتری استفاده می‌شد.

این ضعف در تعریف کتابداری، و قرار دادن کتاب به جای اطلاعات به عنوان «چیز» مورد بررسی و کار در کتابداری، منتهی به آن شده که اخلاق فناوری اطلاعات به عنوان بخشی جدا از اخلاق کتابداری و اطلاع‌رسانی و به عنوان یک درس انتهایی مختصر بیاید. در حالی که مسائل اخلاقی فناوری اطلاعات در تارپود مسائل کتابداری و اطلاع‌رسانی نفوذ کرده و چیزی جدای آن نیست و کتابداران در خط مقدم درگیری با معضلات اخلاقی ناشی

از فناوری اطلاعات در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی هستند. بنابراین به نظر می‌رسد که بهتر می‌بود که مسائل، چالش‌ها، و حقوق ناشی از اطلاعات در بستر فناوری اطلاعات (مانند امنیت اطلاعات، حصول اطلاعات، درستی اطلاعات، گمنامی، حریم خصوصی، محرمانگی و ...) در لابلا و اثنای سایر مباحث و حقوق اخلاقی در دروس تقسیم می‌شد و مورد بحث قرار می‌گرفت و به‌عنوان چیزی جدای از مباحث کتابداری در قالب درسی جداگانه طرح نمی‌گردید.

چهارمین نقد به برخی ناهماهنگی‌ها و گاهی تضادها در بیان مفاهیم برمی‌گردد. ادعاهای زیادی در متن هست که مستند نیستند و ارجاع ندارند. برای مثال، مسئولیت‌های حرفه‌ای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی (ص ۱۰۵) یا انواع تعاریفی که از کتابخانه در درس هفتم ارائه شده است (ص ۱۱۰ و ۱۱۱) یا مثلاً این ادعا و تعریف مشکل‌ساز که «کتابخانه عمومی کتابخانه‌ای است که از منابع مالی دولتی شکل می‌گیرد» (ص ۱۱۹) در حالی که این گونه نیست. اما برخی جملات و عبارات بدیهی مانند «مرام اخلاقی یکی از مؤلفه‌های هر حرفه است. اخلاق حرفه‌ای نقش حیاتی در شایستگی حرفه‌ای دارد» و جمله بدیهی بعدی آن یعنی «هیچ حرفه‌ای بی‌نیاز از نظام اخلاقی نیست...» (ص ۱۲۷) دارای ارجاع هستند و مستند به متن شده‌اند. همچنین، برخی اصطلاحات که مهم‌ترین آنها واژه «فردگرایی» است، با تعریف یکسانی در متن به‌کار برده نشده است. برای مثال، تعریفی که از «فردگرایی» در اخلاق در درس سوم کتاب ارائه شده، إشعار بر این دارد که فردگرایی اخلاقی ناظر بر این است که حسن و قبح اخلاقی از منظر اثراتی که روی فرد عامل به اخلاق دارند سنجیده می‌شوند. اما مفهوم «فردگرایی اخلاقی» در درس هشتم بر این نکته تأکید دارد که بازیگر اصلی و عامل اثرگذار بر صحنه اخلاق، فرد است و نه سازمان، محیط یا جامعه. همچنین، ادبیات حاضر به ویژه از درس نهم به بعد، سرشار از اصطلاحات و جملاتی است که در آن کتابخانه را به‌عنوان یک بنگاه تجاری و کاربر را به‌عنوان یک مشتری شناسانده است. با این تعبیر، اطلاعات به مثابه کالایی دانسته شده که میان آن بنگاه و این مصرف‌کننده بر اساس ارزش مبادله رد و بدل می‌شود. چنین تلقی‌ای از اطلاعات نمی‌تواند کارکرد «ایجاد تعدیل در قشربندی‌های اجتماعی ناشی از توزیع نابرابر اطلاعات» (ص ۱۳۳) را که معنای ضمنی آن، نگاه به اطلاعات به‌عنوان چیزی که نباید تحت انحصار و کنترل قشر یا گروهی خاص درآید، پوشش دهد. نگاه تجاری به اطلاعات، انحصار را به‌جای عمومیت، و ارزش مبادله را به جای ارزش تعالی می‌نشانند. بنابراین، ایجاد هماهنگی و یکدستی بین ادبیات پرداخت

به کاربر و کتابدار و وظایف و کارکردهایی که برای کتابخانه برشمرده شده است، هم بهتر می‌تواند به نشان دادن رویکرد منسجم مولفان کمک کند و هم می‌تواند به یکپارچگی بیشتر متن منتهی گردد.

پنجمین و آخرین نقد، مربوط هدف کتاب حاضر مبنی بر پرداختن به اخلاق حرفه‌ای در سطح تصمیمات، سیاست‌ها، و آیین‌نامه‌ها است (ص ۱۳۷). از بیان هدف حاضر، انتظار خواننده بر آن است که رفتارهای اخلاقی تأثیرگذار کتابداران بر آیین‌نامه‌ها و سیاست‌هایی که حقوق جامعه، کاربر، صاحبان محتوا، و ... به واسطه آنها رعایت می‌شود، مورد بحث قرار گیرد. مثلاً چه نوع آیین‌نامه‌هایی و چه نوع سیاست‌گذاری‌هایی و چه خط‌مشی‌گذاری‌هایی در مجموعه‌سازی، سازماندهی، اشاعه، و مدیریت اطلاعات بهتر می‌تواند به اعاده و رعایت حقوق طرف‌های صاحب حق منتهی گردد. هر چند که به این بحث نیز در فصول ۹ تا ۱۲ اجمالاً پرداخته شده و متن خالی از این بحث نیست اما در همین فصول مشاهده می‌کنیم که در بیان مسئولیت‌های اخلاقی، بعضاً مسئولیت‌های فرد کتابدار در قبال طرف‌های حق طرح می‌شود و رویکرد سازمانی بعضاً نادیده گرفته می‌شود و پس از طی یک بحث فردگرا، دو باره نیم‌نگاهی به طرح سازمانی اخلاق انداخته می‌شود. متن در نگاه فردگرا به اخلاق و نگاه سازمانی به آن در نوسان است. برای مثال، در درس دهم ذیل تیترا احترام اصیل، در پارگراف اول بحث شده که «احترام به کاربران در نخستین گام وظایف اخلاقی کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی قرار دارد ...» (ص ۱۶۳) و بحث ادامه پیدا می‌کند تا اینکه اظهار می‌شود «قوانین و مقررات نیز ممکن است موجب احترام و بی‌احترامی شود. به همین دلیل مقررات و آیین‌نامه‌ها در کتابخانه محتاج ممیزی اخلاقی‌اند» (ص ۱۶۴) و با پایان این پاراگراف، بحث سازمانی برای مدتی به فراموشی سپرده می‌شود و اظهار می‌شود که «آراستگی ظاهری، اعم از آراستگی کتابداری یا زیبایی و آراستگی محیط فیزیکی نقش مهمی در رعایت حق احترام به کاربران دارد». این در حالی است که با توجه به هدف کتاب، خواننده انتظار دارد که مؤلفان به طرح خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها، و آیین‌نامه‌هایی بپردازند که در آن همه موارد فردی و کاری کتابخانه طوری لحاظ گردد که باعث احترام به کاربر شود و اگر صرفاً به توصیه‌هایی که رنگ و بوی فردی دارند بسنده شود، در واقع نقض غرض شده و به اخلاق فردگرا بنا به تعریف کتاب، بازگشت شده است. برای مثال، خواننده انتظار دارد که مؤلفان در ذیل تیتراهای «تهیه مناسب‌ترین منابع»، «وجین روشمند»، «سازماندهی مناسب منابع» (ص ۱۶۵)، «فضا و فناوری مناسب» (ص ۱۶۷)، و «استفاده از

کتابداران حرفه‌ای» شاهد توصیه‌هایی سیاستی در تدوین خط‌مشی باشد که به همه موارد فوق منتهی گردد. برای مثال، در ذیل تیتیر تهیه مناسب‌ترین منابع، می‌توان این امر را مطرح کرد که در خط‌مشی تهیه منابع، باید شاخص‌هایی برای انتخاب ناشران یا انتخاب منابع اتخاذ کرد که باعث طرد یا کنارگذاری عده‌ای خاص از ناشران یا منابع نگردد یا باعث نشود از گروه خاصی از ناشران که به طیف فکری یا سیاسی خاصی مرتبط هستند، بیشتر خرید شود. حتی می‌توان به پاره‌ای از این شاخص‌ها نیز برای آشنایی کتابداران اشاره کرد. بنابراین، انتظار این است که توصیه‌هایی سازمانی که عبارت از توصیه‌های سیاستی و آیین‌نامه‌ای است مطرح گردد تا هدف مورد نظر کتاب برآورد شود و گرنه توصیه‌ها رنگ و بویی فردگرایان خواهند داشت.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

از مهمترین عواملی که باعث می‌شود مسائل اخلاقی موجود در محیط اطلاعاتی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، به‌طور ملموس در نظر حرفه‌مندان آید و ارتباطی عینی با آن برقرار کنند آن است که تنگناهای اخلاقی‌ای که طی آن حقوق با یکدیگر تزاخم پیدا می‌کنند و لازم می‌شود اولویت حقوق را معین نمود، ترسیم شود. ترسیم تنگناهای اخلاقی، با در نظر گرفتن «اطلاعات» به عنوان «چیز» مورد بررسی و کار در کتابداری و اطلاع‌رسانی، دارای ابعادی فراتر از مفهوم «کتاب» است و شامل تولید، فرایند گردش، و اشاعه اطلاعات نیز می‌شود و مباحثی را درگیر می‌کند که امروزه در اخلاق فناوری اطلاعات نیز بحث می‌شود. مرور ادبیات اخیر اخلاق در کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌تواند به‌وضوح آشکار سازد که مباحث اخلاق فناوری اطلاعات شکلی جدایی‌ناپذیر از اخلاق کتابداری یافته‌اند و کاملاً با آن ممزوج مطرح می‌شوند. لذا به نظر می‌رسد اخلاق حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی، اخلاق حرفه‌ای مربوط به فضای اطلاعات (Infosphere) است. این فضای اطلاعات، امروز بخشی از منازل افراد نیز هست و کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، با شدت و حدت بیشتری درگیر آن هستند زیرا مراکز غنی از اطلاعات می‌باشند. بنابراین، به ارائه طریقی نیاز است که باعث شود کتابداران و اطلاع‌رسانان خط‌مشی‌ها و سیاست‌هایی تدوین کنند که به رعایت حقوق منتهی شود و این، چیزی فراتر از رعایت فردی حقوق صاحبان حق است. بسیاری از معضلات کنونی کتابداران و اطلاع‌رسانان، تزاخمی است که بین آیین‌نامه‌های خودساخته آنان یا سیاست‌ها و قوانین بالادستی، و رفتار متناسب با شرایط واقعی با صاحبان

حق، ایجاد می‌شود. برای برخورد واقعی با چالش‌های اخلاقی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، می‌بایست سعی بیشتر را معطوف به این مسئله نمود.

در پایان رویکردی که می‌تواند برای تقویت کتاب حاضر اتخاذ شود را عملاً از نظر می‌گذرانم. اول اینکه نمایه کتاب اصلاح شود یا نمایه دیگری برای کتاب تهیه گردد. در صورت امکان صفحه‌آرایی کتاب تغییر یابد، و صفحه عنوان انگلیسی برای آن تهیه شود. اگر قرار است تغییر ویرایشی انجام شود، بهتر است در طراحی جلد کتاب نیز تنوعی صورت بگیرد و از حروف‌نگاری و طرح ساده و رمزگون که خوانش ابهام‌آمیز و مرتبط با محتوای آن را میسر کند، استفاده گردد. در مورد محتوا نیز، به نظر بهتر است ابتدا یک سیاست تغییر لحن و متناسب‌سازی واژگان و زبان نگارش حق‌محور اتخاذ گردد و زبان نفع‌گرا و سودنگر کنار گذاشته شود. همچنین، موقعیت‌های اخلاقی مختلفی با توجه به کارکردهای مختلف کتابخانه (امانت، فهرست‌نویسی، مرجع و ...) که نشان‌دهنده یک تنگنای اخلاقی است، به‌طور مصنوعی یا با تکیه بر تجارب واقعی خلق شود و راه برون‌رفت اخلاقی از آن فضا را با تکیه بر رویکرد کتاب نشان دهد. مورد بعد، اصلاح نمودار ص ۱۴۴، توجه به همه صاحبان حق در قبال کتابخانه، و توجه به حقوق گروه‌های خاص (بزرگسالان نوسواد، کودکان، معلولان، فقرا، افراد آسیب‌پذیر اجتماعی، اقلیت‌های قومی با زبان‌های مختلف و متفاوت، و مهاجران) است. همچنین، تمرکز بر «اطلاعات» به عنوان «چیز» مورد بررسی و کار توسط کتابدار و استفاده از منابع جدیدی است که این رویکرد البته نه چندان جدید و جاافتاده را بازگو می‌کنند و مولفان متخصص علم اطلاعات در این کتاب، حتماً به این منابع اشراف دارند. روی منابع جدید و مولفان پیش‌رو در این زمینه تمرکز شود و آراء آنها در توسعه کتاب حاضر مورد استفاده قرار گیرد؛ افرادی مثل رافائل کاپورو، روبرت هاتمن، برنند فرومان، لوچینانو فلوریدی، ترل باینوم، برنند کارستن استال، چارلز اس و ... مؤلف نقد حاضر، مقاله‌ای دارد با نام «تعریف و دسته‌بندی جامعه‌شناختی از حوزه اخلاق اطلاعات» (۱۳۹۴) که در آن ۲۰ مدل اخلاق اطلاعات را مرور و نقد کرده و خود در انتها، مدلی جدید ارائه داده است. برای بررسی عمیق‌تر مدل‌های اخلاق اطلاعات در این کتاب، مقاله حاضر می‌تواند مدخل مناسبی باشد.

نکته بعد، مستندسازی ادعاهای چالش‌انگیز که برخی از آنها اشاره شد و حذف ارجاعات کاذب است. همچنین، با توجه به الگوی حق‌گرای کتاب حاضر، بهتر است از بازنمایی تجاری کتابخانه که سودگرایی را القاء می‌کند اجتناب شود که این نیز به تغییر

لحن، زبان و واژگان در نگارش برمی‌گردد که البته خود، ریشه در پیش‌فرض‌ها دارد. همچنین، یکدست‌سازی استفاده از مفاهیم، مثل مورد فردگرائی، و کنترل مفاهیم دیگر، پیشنهاد می‌شود. پیشنهاد آخر اینکه، در فصول انتهایی کتاب، همان‌طور که از بیان اهداف و رهیافت کتاب استنباط می‌شود و انتظار برمی‌انگیزد، تحلیل‌ها از سطح رفتار فردی به سطح الگوها، خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های کاری ارتقاء یابد و آموزش داده شود که چگونه می‌توان چارچوب‌هایی اینچنینی تدوین کرد که رعایت اخلاق حرفه‌ای حق‌گرا را برای کتابدار، کاربر و همه تعامل‌گران صحنه کتابخانه را آسان‌تر نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. دسترسی به اطلاعات information accessibility اشعار بر این دارد که چه اندازه اطلاعاتی که می‌تواند آگاهی لازم را برای انجام عمل اخلاقی به دست دهد، وجود دارد. یکی از حقوق کاربران می‌تواند این باشد که کتابدار، اطلاعات و آگاهی‌های لازم را برای عمل اخلاقی در محیط اطلاعات به او بدهد زیرا پیش‌فرض این است که بسیاری از اعمال غیراخلاقی در محیط اطلاعات، به دلیل فقر اطلاعات است. در اخلاق اسلامی و سایر ادیان آسمانی، عدم اطلاع از زشتی اعمال، گناه را بخشودنی می‌کند.

۲. حصول اطلاعات information availability اشعار بر این دارد که چه اطلاعاتی به لحاظ اخلاقی درست است که در دسترس باشد. همیشه دسترسی به اطلاعات، به عمل اخلاقی کمک نمی‌کند و گاهی اوقات، عدم دسترسی به اطلاعات، به اخلاق یاری می‌رساند. مثلاً عدم دسترسی به اطلاعات کسانی که درباره مقاله‌شان در یک مجله داوری می‌کنیم. یکی دیگر از حقوق کاربران می‌تواند این باشد که اطلاعاتی که انجام عمل اخلاقی را برایشان ناممکن می‌سازد، در اختیارشان قرار نگیرد.

کتاب‌نامه

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۷). *شمه‌ای از اطلاعات و ارتباطات*. تهران: کتابدار.
- انجمن کتابداری قم (۱۳۸۶). *اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان*. ویراسته علیرضا اسفندیاری مقدم. تهران: کتابدار؛ انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران.
- اندرسن، کوکی جی (۱۳۹۵). *اخلاق در کتابخانه‌های دیجیتال*. ترجمه میترا صمیعی و حمیده معماری هنجنی. تهران: کتابدار.
- باد، جان (۱۳۸۹). *ارتباط‌شناسی و کتابداری*. ترجمه محبوبه مهاجر و نورا. مرادی. تهران: سروش.

نقدی بر کتاب اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی (مهدی شقاقی) ۲۴۱

تفه الاسلامی، علیرضا (۱۳۸۸). چالش‌های اخلاقی در عصر اطلاعات: جستارهایی در اخلاق اطلاعات. تهران: چاپار؛ همارا.

تفه الاسلامی، علیرضا (۱۳۹۴). درآمدی بر اخلاق اطلاعات. تهران: اساطیر پارسی؛ چاپار.
دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی [سایت] (۱۳۸۶). برنامه درسی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی (در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری). بازیابی شده در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ از:
<http://old.msrt.ir/fa/prog/ApprovedCourses/Forms/AllItems.aspx>

درخشانی، لعبت و رضائی شریف‌آبادی، سعید (۱۳۹۳). از اخلاق حرفه‌ای دانش‌کاران تا اخلاق اطلاعاتی. تهران: کتابدار.

حری، عباس (۱۳۹۰). اخلاق انتشارات علمی. شیراز: پایگاه استنادی علوم جهان اسلام.
شقاقی، مهدی و وصفی، محمدرضا (۱۳۹۴). تعریف و دسته‌بندی جامعه‌شناسی از حوزه اخلاق اطلاعات. تعامل انسان و اطلاعات، ۲ (۲)، ۶۸-۷۶.

صدری‌فرد، عصمت و طاهری، شعبان (۱۳۸۹). اخلاق حرفه‌ای در کتابداری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

فدائی، غلامرضا (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر هویت کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.

فتح‌زاده، حسن (۱۳۹۳). هوسرل، اخلاق، دریدا. تهران: ققنوس.
قراملکی، احدفرامرزی؛ درخشانی، لعبت و رضائی شریف‌آبادی، سعید (۱۳۹۰). اخلاق حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: سمت.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی [سایت] (۴ خرداد ۱۳۹۲). نقد کتاب «اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی» در دانشگاه تهران. بازیابی شده در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ از:
<http://www.ical.ir>

لوفور، هانری (۱۳۹۵). فضا، تفاوت، زندگی روزمره: خوانش هانری لوفور. ترجمه افشین خاکباز. تهران: تیسرا.

مراذزاده، علیرضا؛ پوراحمد، علی و اسدی، سارا (۱۳۹۳). شرح ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای کتابداران در آیین اسلام. تهران: دبیزش.

میرباقری، محمد مهدی (۱۳۹۲). نگاهی بنیادین به نسبت اخلاق و فناوری اطلاعات. قم: دفتر نشر معارف.

هولمز، رابرت ال. (۱۳۸۹). مبانی فلسفه اخلاق. ترجمه مسعود علیا. ویراست سوم، تهران: ققنوس.

Hauptman, R. (2002). Ethics and librarianship. London: McFarland & Co.

Fallis D (2009). *A conceptual analysis of disinformation*. iConference, Chapel Hill, NC, California, USA.

- Floridi, L. (2006). Information Ethics, its Nature and Scope. In: Moral Philosophy and Information Technology, J. van den Hoven and J. Weckert, Eds. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mann, William C. & Tompson, Sandra A. (1988). Rhetorical Structure Theory: Toward a Functional Theory of Text Organization. Text, 8 (3), 243-281.
- Mason, R. O. (1986). Four Ethical Issues of The Information Age. MIS Quarterly, March.

